

بسم الله الرحمن الرحيم

اثبات هبه بودن فدک به حضرت زهراء سلام الله عليها

مریم رفعت فرد

فاطمه داودی نژاد

سیده لیلا رضوی

ریحانه ویسی

چکیده

خطبه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) در مسجد پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) معروف به خطبه فدک از جهت فصاحت، بلاغت و اعجاز در حدی است که از سرمایه های تاریخی به حساب می آید و نشان دهنده وضع مسلمانان در آن زمان و بیانگر علل اضطراب در پشت کردن مسلمین به اسلام راستین می باشد. در این خطبه حضرت به بیش از سی آیه قرآن استناد جسته است. بیان شیوای اصول اعتقادی از توحید گرفته تا نبوت و معاد، اسرار احکام، اوامر و نواهی قرآن، ذکر وضع مردم قبل از بعثت رسول اکرم (صل الله علیه و آله و سلم)، مبارزات و سختیهای پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله و سلم) و علی (سلام الله علیه) در راه پیروزی و تثبیت دین خدا، فتنه های دشمنان و برخی مسلمانانها در ممانعت از تثبیت اسلام، جانشینی علی (سلام الله علیه) از طرف خدا توسط پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) در غدیر خم، رحلت پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) و عهدشکنی برخی مسلمین، غصب خلافت و مخالفت با حکم خدا و قرآن در مسئله خلافت، غصب فدک و مخالفت با احکام صریح الهی در قرآن و... از جمله مطالب این خطبه است که در نهایت اختصار و در اوج استحکام و زیبایی بیان شده اند.

کلیدواژه: فدک، حضرت زهرا (س)، پیامبر اکرم (ص)، غصب.

بعد از رحلت پیامبر اسلام (صل الله علیه و آله و سلم) طوفان عجیبی سراسر جهان اسلام را فرا گرفت و کانون این طوفان مرکز «خلافت» بود. سپس به هر چیز که به نحوی با آن ارتباط می کرد منتقل شد، از جمله حکم مصادره سرزمین فدک. حضرت فاطمه (سلام الله علیه) که می دید این تجاوز آشکار، توأم با نادیده گرفتن بسیاری از احکام اسلام در این رابطه، جامعه اسلامی را گرفتار یک انحراف شدید از تعالیم اسلام و سنت پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) و گرایش به برنامه های جاهلی می کند. از سوی دیگر مقدمه ای است برای خانه نشین کردن امیرمؤمنان علی (سلام الله علیه) و تحت فشار قرار دادن یاران ایشان، به دفاع از حق خویش در مقابل غاصبان فدک پرداخت. حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام که کوثر، مبارکه و منصوره است، هرچند عمر بسیار کوتاهی داشت اما تجلی خیر کثیر، برکت، نصر و پویایی است. حضرت زهرا علیهاالسلام نه تنها الگوی زنان، که اسوه همه نیکان و پاکان تاریخ است. تاریخ شاهد مظلومیت آن حضرت و عدم شناخت وی از طرف معاصران و متأخران است، تا آنجا که خود حضرت در بیان حق خویش، به مطلبی بسیار روشن می پردازد؛ مطلبی که به عمد و یا سهو مورد غفلت واقع شده است؛ می فرماید: «إِعْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ»؛ بدانید که من فاطمه‌ام. این مهم‌ترین وجه معرفی آن حضرت است و خود مبنایی برای معرفی سایر اهل کسا می باشد که پدر فاطمه، همسر فاطمه و پسران فاطمه‌اند. این خطاب در «خطبه فدکیه» در کنار مضامین عالی دیگر، بیانگر مقام فاطمی در همه ابعاد انسانی است. توجه به فرازهای خطبه، که از نشانه های باقی مانده از آن حضرت‌اند، ما را در درک این نکته یاری می دهد. هرچند تاریخ در معرفی این بانوی نمونه قاصر و مقصر است، اما دقت و کاوش در اسناد باقی مانده، برای طالبان وصول، لازم و برای اهل نظر، کافی است. این خطبه نه تنها مسئله فدک را به خوبی و حق اهل بیت در آن را به روشنی اثبات می‌کند بلکه مشتمل بر مضامین بلند در معارف اعتقادی است. بیان اصول اعتقادی با بیانی شیوا از توحید گرفته تا

نبوت و معاد، اسرار احکام، اوامر و نواهی قرآن، ذکر وضع مردم قبل از بعثت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، مبارزات و سختی های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (سلام الله علیه) در راه پیروزی و تثبیت دین خدا، فتنه های دشمنان و برخی مسلمان نماها در ممانعت از تثبیت اسلام، جانشینی علی (سلام الله علیه) از طرف خدا توسط پیامبر در غدیر خم، رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و عهد شکنی برخی مسلمین، غصب خلافت و مخالفت با حکم خدا و قرآن در مسئله خلافت، غصب فدک و مخالفت با احکام صریح الهی در قرآن و... از جمله مطالب این خطبه است که در نهایت اختصار و در اوج استحکام و زیبایی بیان شده اند. اهمیت این خطبه تا بدان جاست که ائمه اطهار علیهم السلام آن را نقل کرده اند و علمای دین بر حفظ و فراگیری آن تأکید داشته اند. علمای بزرگوار شیعه در طول تاریخ، اسناد و مدارک این خطبه و شرح هایی از آن را تحریر و برای جامعه مسلمین به یادگار نهاده اند تا جایی که غیر از ده ها کتاب به زبان عربی و فارسی، ترجمه هایی از این خطبه به زبانهای اردو، ترکی و فرانسوی صورت گرفته است.

این روز ها، روز های فاطمه (س) و این شب های علی (ع) است. بار ها با خودم می گویم: ((یک لحظه و این همه ارزش؟! نه سال و این همه استمرار؟!)) همین لحظه از همین بلندگو های دور و خسته می شنوم.. (فاطمه أمّ ابیها).. و در جواب فرشته ها در مورد اصحاب کساء می شنوم (هُم فاطمة و أبوها و بعلها و بنوها). رسالت و ولایت و امامت را فاطمه رابط است و پیوند.¹ ... بررسی مسائل صدر اسلام به طور عام و مسائل مربوط به پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیه السلام به طور خاص همواره مورد اهتمام بزرگان علمای امامیه بوده و هست، و البته ماجرای فدک از حساس ترین آنهاست. حساسیت و اهتمام ویژه ما به قضایا و مسائل مربوط به حضرت زهرا علیهم السلام به دو علت است: نخست: به سبب یقینی بودن عصمت آن حضرت به استناد کتاب خدا و سنت رسول او، و نیز جایگاه و منزلت آن بانوی بزرگوار در پیشگاه خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و مومنان. دوم: ارتباط جدی و تنگاتنگ قضایای ایشان با

مسئله امامت و خلافت پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله . بسیار واضح است که توجه خاص آن بانو و ائمه اهل بیت علیهم السلام و شیعیان ایشان از همان روز نخست به این ماجرا، از آن رو نبوده که سرزمین فدک در آن زمان باغ و بستانی بوده و ارزش اقتصادی در خور توجه و محصولات زراعی بسیار از آن به دست می آمده، بلکه هدف از این اهتمام، کار نمودن موضوع دیگری است که با اصل و اساس دین و رویکرد مسلمانان تا روز رستاخیز بستگی دارد . باید به این مسئله بی طرفانه نگاه کنیم و باید فراموش کنیم که مدعی این ماجرا زنی است که ما او را دوست می داریم و بزرگش می شماریم . و او جایگاهی خاص دارد همچنین باید موقعیت جغرافیایی مساحت عایدات و دیگر خصوصیات (فدک) را نیز فراموش کنیم . اما در مورد ارتباط این موضوع با مسئله امامت و ولایت و با توجه به این دید نمی توان چند نکته را نادیده گرفت و باید آنها را در نظر داشت اکنون ما به اختصار این مطلب را توضیح می دهیم. همانگونه که اشاره شد قضیه فدک ارتباط تنگاتنگی با مسئله امامت دارد از این رو دانشمندان اسلامی در طول تاریخ به این موضوع عنایت داشتند به عنوان نمونه چند مورد را می آوریم . ۱. نویسنده ی کتاب شرح المواقف در این زمینه چنین می نگارد: فصل چهارم درباره امام به حق پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله است. از نظر ما امام به حق پس از پیامبر (ص) ابوبکر است. و از نظر شیعه علی رضی الله عنه. ما بر عقیده خود دو دلیل می آوریم: نخست آن که راه اثبات امامت یا کلام خدا و سخن صریحی است که از جانب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله باشد. و یا اجماع و اتفاق نظر بر بیعت. سخن صریحی از پیامبر خدا (ص) در مورد ابوبکر وجود ندارد، چنان که خواهد آمد، ولی هیچ اتفاق نظری نیز از جانب امت پیامبر جز بر ابوبکر یافت نمی شود. بسیار واضح است که شریف جرجانی در این استدلال، به نبود هر گونه سخن صریح و بیان آشکار از سوی خدا و پیامبر خدا (ص) بر امامت ابوبکر اعتراف دارد. وی تنها دلیل بر امامت ابوبکر را اجماع و اتفاق نظر می داند. ... بخشش فدک به فاطمه علیه السلام به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله. ﴿وَآَنَآءَ﴾ آن چه به روشنی از روایات بر می آید این است که رسول خدا (ص) فدک را در حالی به فاطمه علیه السلام بخشیده که ملک خودش بوده است؛ زیرا فدک

زمینی نبوده که با تازاندن اسب و شتر و با جنگ و نبرد به دست آمده باشد. در این جا دو ادعا وجود دارد: ادعای نخست هر چیزی که اینگونه به دست آمده باشد، ملک شخص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود. و این حکم اسلامی است که همه علما و دانشمندان بیان کرده اند که اینک برای اثبات این مطلب به خلاصه ای که از کلام (قُرْطُبی) در کتاب تفسیر الجامع الاحکام بسنده می کنیم. در سوره حشر آمده است: وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كُنَ اللَّهُ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و آنچه را که خدا از (مال) آنها به رسم غنیمت به رسول خود باز داد (متعلق به رسول است، زیرا) شما سپاهیان اسلام بر آن هیچ اسب و شتری نتاختید و لیکن خدا رسولانش را بر هر که خواهد مسلط می گرداند و خدا بر هر چیز تواناست. (سوره حشر/آیه ۶) ... در مرصع الاطلاع آمده است: فدک روستایی است در حجاز که از آن جا تا مدینه دو یا سه روز راه است و خداوند آن را بدون نبرد به پیامبرش واگذار نموده است و در آن چشمه ای جوشان و... است. آری، همان گونه که ملاحظه نمودید در سخن یاقوت حموی در مورد فدک آمده است که امیر مومنان علی علیه السلام فرمود: پیامبر در زمان حیاتش فدک را برای فاطمه (س) قرار داده است. بدینونه جای هیچ شک و تردیدی در این موضوع نمی ماند نه در کبرای قضیه و نه در صغرای آن.

إِبْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَأَنْشَأَهَا بِالْإِخْتِدَاءِ أَمْثَلَهُ إِمْتَنَلَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ وَذَرَاهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَلَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَنْبِيئًا لِحُكْمَتِهِ وَتَنْبِيْهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَتَعْبُدًا لِجَبَرِيَّتِهِ، وَإِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَّتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَحَيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَبَّتِهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ، وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ إِجْتَبَاهُ، وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَبَسْتَرِ الْأَهْوَالِ مَصُونَةٌ، وَبِنِهَائِهِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عَلِمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ، وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ. و گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمن وصل آن ساخت،

شد. اما با این انحرافات، راه بشر به سوی خدا سد شد زیرا بدون علی و آل علی (سلام الله علیه) کسی به خدا نمی رسد و این حقیقت را حضرت زهرا (سلام الله علیها) می دانست که چنین از حق و حقیقت دفاع کرد و حقایق را برای ثبت در تاریخ در این خطبه بیان فرمود.

وَ كَانَ جِبْرِيلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا - فَقَدْ فُقِدَتْ وَ كُلُّ الْخَيْرِ مُحْتَجَبٌ فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِفُنَا - لَمَّا مَضَيْتَ وَ حَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ ثُمَّ انْكَفَأَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَوَقَّعُ رَجوعَهَا إِلَيْهِ وَ يَتَطَلَّعُ طُلُوعَهَا عَلَيْهِ، فَلَمَّا اسْتَقَرَّتْ بِهَا الدَّارُ، قَالَتْ لَامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ! اِسْتَمَلْتَ شِمْلَةَ الْجَنِينِ، وَ قَعَدْتَ حُجْرَةَ الظَّنِّينِ، نَقَضْتَ قَادِمَةَ الْأَجْدَلِ، فَخَانَكَ رِيشُ الْأَعْزَلِ. هَذَا ابْنُ أَبِي قُحَافَةَ يَبْتَزُّنِي نِخْلَةَ أَبِي وَ بُلْعَةُ ابْنِي! لَقَدْ أَجْهَرَ فِي خِصَامِي وَ الْفَيْتُهُ الدَّ فِي كَلَامِي حَتَّى حَبَسْتَنِي قَيْلَهُ نَصْرَهَا وَ الْمُهَاجِرَةَ وَصَلَهَا، وَ غَضَّتِ الْجَمَاعَةُ دُونِي طَرْفَهَا، فَلَا دَافِعَ وَ لَا مَانِعَ، خَرَجْتُ كَاطِمَةً، وَ عُذْتُ رَاغِمَةً. أَضْرَعْتَ خَدَكَ يَوْمَ أَضَعْتَ خَدَكَ، اِفْتَرَسْتَ الذَّنَابَ وَ اِفْتَرَشْتَ التُّرَابَ، مَا كَفَفْتَ قَائِلًا وَ لَا أَغْنَيْتَ بَاطِلًا وَ لَا خِيَارَ لِي، لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَنِيئَتِي وَ دُونَ ذَلَّتِي، عَذِيرِي اللَّهُ مِنْكَ عَادِيًا وَ مِنْكَ حَامِيًا. جِبْرِيلُ بَا آيَاتِ الْهَى مُنَسَّ مَا بُوْد، وَ بَعْدَ از تُو تَمَامِ خِيَرَهَا پُوشِيْدَه شُد. اِي كَاش پِيْش از تُو مُرْدَه بُوْدِيْم، اَنگاه كِه رَفْتِي وَ خَاك تَرَا در زِيَر خُود پَنهَان كَرْد. اَنگاه حُضْرَت فَاطِمَه عَلَيْهَا السَّلَامُ بَه خَانَه بازگشت وَ حُضْرَت عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ در اَنْتِظار او بَه سَر بُرْدَه وَ مَتَنَظَر طُلُوعِ اَفْتَابِ جَمالِش بُوْد، وَ قَتِي در خَانَه اَرَام گَرَفْت بَه حُضْرَت عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُود: اِي پَسَر اَبُو طَالِب! هِمَانَد جَنِيْن در شَكَم مَادَر پَرْدَه نَشِيْن شُدَه، وَ در خَانَه اَتْهَام بَه زَمِيْن نَشِستَه اِي، شاه پَرهائِ شاهِيْن را شَكِستَه، وَ حَال اَنكِه پَرهائِ كوچَك هِم در پَرِواز بَه تُو خِيانَت خُواهد كَرْد. اِيْن پَسَر اَبِي قُحافَه اسْت كِه هَدِيَه پَدَرَم وَ مَايَه زَنْدَگِي دُو پَسَرَم را از مَن گَرَفْتَه اسْت، بَا كَمال وَضُوح بَا مَن دَشْمَنِي كَرْد، وَ مَن او را در سَخْن گَفْتَن بَا خُود بَسِيار لَجُوج وَ كِيَنه تُوَز دِيْدَم، تا اَنكِه اَنْصار حَمائِيْتِشان را از مَن باز دَاشتَه، وَ مَهاجِران يارِيشان را از مَن دَرِيغ نَمُودنَد، وَ مَرْدَم از يارِِيْم چَشْم پُوشِي كَرْدنَد، نَه مَدافِعِي دارَم وَ نَه كُسي كِه مانَع از كَرْدار اَنان گَرْدَد، در حَالِي كِه خَشْم را فَرُوبَرْدَه بُوْدَم از خَانَه خَارِج شُدَم وَ بَدُون نَتِيْجَه بازگشتَم. اَنرُوز كِه شَمشِيْرَت را بَر زَمِيْن نِهادِي هِمَان رُوز خُويْشتَن را خَانَه نَشِيْن نَمُودِي، تُو شِيْر مَرْدِي بُوْدِي كِه گَرگان را مِي كَشْتِي، وَ اَمرُوز بَر رُوي زَمِيْن اَرْمِيْدَه اِي، گُويِنْدَه اِي را از مَن دَفْع نَكْرَدَه، وَ باطْلِي را از مَن دُور نَمِي گَرْدانِي، وَ مَن از خُود اَخْتِياري نَدارَم، اِي كَاش قَبْل از اِيْن كار وَ قَبْل از اِيْنكِه اِيْن چَنِيْن خُوار شُوم مُرْدَه بُوْدَم، از اِيْنكِه اِيْنكُونَه سَخْن مِي گُويَم خُداوند اِ عَذْر مِي خُواهِم، وَ يارِي وَ كَمَك از جَانِب تُو سَت. وَيْلَايَ فِي كُلِّ شَارِقٍ، وَيْلَايَ فِي كُلِّ غَارِبٍ، مَاتَ الْعَمَدُ وَ وَهَنَ الْعَصْدُ، شَكُوَايَ اِلَى اَبِي وَ عَدُوَايَ اِلَى رَبِّي، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلًا، وَ اَشَدُّ بَأْسًا وَ تَنْكِيلًا. فَقَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا وَيْلَ لَكَ، بَلِ الْوَيْلُ لِسَانِكَ، نَهْنَهْنِي عَنْ وُجْدِكَ، يَا ابْنَةَ الصَّفْوَةِ وَ بَقِيَّةَ النُّبُوَّةِ، فَمَا وَثَّيْتُ عَنْ دِيْنِي، وَ لَا

أَخْطَأْتُ مَقْدُورِي، فَإِنْ كُنْتُ تُرِيدِينَ الْبُلْغَةَ فَرِزْقُكِ مَضْمُونٌ، وَ كَفَيْلُكِ مَأْمُونٌ، وَ مَا أُعِدَّ لَكَ أَفْضَلُ مِمَّا قُطِعَ عَنْكَ، فَاحْتَسِبِي اللَّهَ. فَقَالَتْ: حَسْبِيَ اللَّهُ، وَ أَمْسَكَت. از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می‌خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی‌کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبر کن. حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه سکوت کرد

چرا علی علیه‌السلام در دوران حکومتش فدک را پس نگرفت؟

سومین نکته‌ای که باید بررسی شود این پرسش است که چرا علی علیه‌السلام در دوران حکومتش فدک را پس نگرفت؟

در پاسخ می‌گوییم که امیرالمومنان علی علیه‌السلام در نامه‌ای که به سهل بن حنیف نوشته فرموده اند:

وَلِي كَانَتْ فِي اَيْدِيْنَا فَدَك مِنْ كُلِّ مَا اُظْلِمَتْهُ السَّمَاءُ، فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نَفُوسُ آخِرِينَ، وَ نَعَمَ الْحَكَمُ لِلَّهِ، وَ مَا اصْنَعُ بِفَدَكٍ وَ وَ غَيْرِ فَدَكٍ وَ النَّفْسُ مِظَانُهَا فِي غَدٍ جَدَث...

همچنین محمد بن بابویه معروف به شیخ صدوق رحمت الله با سند خود روایت نموده که ابوبصیر می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام گفتم: چرا امیر مومنان علی علیه‌السلام هنگامی که حکومت بر مردم را در دست داشت فدک را بازپس نگرفت؟ برای چه آن را رها کرد؟

آن حضرت فرمود:

لَأَنَّ الظَّالِمَ وَ الْمَظْلُومَ كَانَا قَدَمَا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَثَابَ اللَّهُ الْمَظْلُومَ وَ عَاقَبْتَ الظَّالِمَ، فَكِرَهُ أَنْ يَسْتَرْجِعَ شَيْئاً قَدْ عَاقَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَاضِبُهُ وَ أَثَابَ عَلَيْهِ الْمَغْضُوبَ .

زیرا ظالم و مظلوم هر دو در پیشگاه خداوند عزوجل قرار گرفتند و خداوند به مظلوم پاداش داد و ظالم را عقاب نمود. او خوش نداشت چیزی را باز ستاند که خداوند غاصبش را به سبب آن کیفر کرد و آن را که حَقّش غصب شده جزا داد.(۵)

نتیجه گیری

خطبه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معروف به خطبه فدک از جهت فصاحت و بلاغت و اعجاز در حدی است که از سرمایه های تاریخی به حساب می آید و نشان دهنده وضع مسلمانان در آن زمان و بیانگر علل اضطراب در پشت کردن مسلمین به اسلام راستین می باشد. و اثبات کننده هبه بودن و بخشش از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می باشد

پی نوشت

۱. روز های فاطمه/استاد علی صفایی حائری

۲. فدک در فراز و نشیب/جلد ۷

۳.ر.ک: صدوق، علل الشرایع، ۱/۱۵۵

۴.نهج البلاغه . ۴۱۷.

۵. علل الشرایع : ۱۸۵/ حدیث ۱.

فهرست منابع

❖ نهج البلاغه .

۱. علی صفایی حائری، روز های فاطمه،

۲. فدک در فراز و نشیب، جلد ۷

۳. صدوق، علل الشرایع،

۵. خطبه فدکیه